

در سال ۸۷ رقمی بیش از ۹۱۵ میلیون دلار بوده که در مقایسه با سال پیش از آن، از رشدی ۱۴۰ درصدی برخوردار بوده است. با توجه به روند سال گذشته و عملکرد حال حاضر، فکر می‌کنم تا پایان سال، رقمی بیش از ۲ میلیارد را برای مجموع پوشش‌های صندوق داشته باشیم. این را هم بگویم که استاندارد بیمه در مؤسسات بیمه‌ای کشورهای دنیا، تنها ۱۰ درصد از صادرات یک کشور است که این رقم در سال گذشته برای ما به ۱۴ درصد رسید.

تقدیر از: نظر حضرت‌عالی در مورد خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته در کشور چیست؟

با توجه به درجه بالای اهمیت اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ تنها پرداختن به مسأله خصوصی‌سازی

کافی نیست، بلکه باید با تدوین مقررات لازم، فضای رقابتی مناسب در کشور ایجاد کنیم تا یک شرکت واگذار شده به بخش خصص وصی واقعی بتواند در شرایط ایده‌آل به فعالیت خود ادامه دهد و همچنین از سوی دیگر بتوان به ورود سرمایه‌گذاران خصوصی دیگر هم امیدوار بود.

بنابراین، رقابت، خصوصی‌سازی و مقررات کارآمد، سه مقوله اساسی در اجرای هرچه بهتر اصل ۴۴ هستند که باید مورد توجه مسئولان امر قرار گیرند. در صورت بروز هرگونه مشکل و کوتاهی در هر یک از این سه مقوله نمی‌توان به اجرایی شدن درست این اصل امیدوار بود.

تقدیر از: متشکرم.

انجمن اقتصاددانان

انبان تهی از ارز

سخنرانی دکتر علی رشیدی، نایب رییس انجمن اقتصاددانان ایران در نشست شهریور این انجمن



سیاست بازرگانی و موضوعات مربوط به پول و ارز در این زمینه از مهمترین مسایل اقتصادی و حتی اجتماعی و سیاسی ۷۰ سال اخیر بوده و ضرورت توجه به آن در مقطع کنونی از هر زمان دیگری بیشتر است. علت اهمیت این موضوع، اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی جهان است و متأسفانه دولت ایران نسبت به ضرورت تجدید نظر در سیاست‌ها و برنامه‌های خود غافل بوده است. مسأله سیاست‌های بازرگانی در دنیا از حدود ۵۰۰ سال قبل به گونه‌ای که دفاع از تولیدات داخلی و منافع ملی آنها را به دنبال داشته باشد، تبیین می‌شد. صرف‌نظر از این که در دنیا چه گذشته می‌توان چندین دوره مشخص را در سیاست‌های توسعه صنعتی ایران و همچنین سیاست‌های بازرگانی، پولی و ارزی به عنوان مکمل آن نام برد. دوره اول که از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ بوده است را می‌توان درخشان‌ترین دوره سیاست توسعه صنعتی ایران دانست، چرا که در سال ۱۳۰۴ حدود ۹۷ درصد واردات کشور مختص کالاهای مصرفی بود، ولی در سایه استقلال گمرکی و اجرای سیاست‌های مناسب توسعه صنعتی، زمانی که به سال ۱۳۲۰ رسیدیم ۲۲ کارخانه نساجی، ده‌ها کارخانه سیمان، شکر، قند و موارد بسیار دیگر از جمله صنایع ایجاد شده در ایران بودند.

در آن سال سهم واردات کالاهای مصرفی به کمتر از یک سوم سقوط کرد و کم‌کم واردات ماشین‌آلات و قطعات صنعتی افزایش یافت.

دوره بعدی مربوط به زمانی می‌شود که جنگ جهانی دوم روی می‌دهد و به خاطر امکانات محدود صادراتی،

ایران نمی‌تواند از دلارهای به دست آمده استفاده کند. محدودیت باعث شد تا یک ذخیره ۶۰۰ میلیون دلاری در ایران به وجود آید که بعد از اتمام جنگ، دلارهای منگور به جای آنکه در مسیر سرمایه‌گذاری در تولیدات صنعتی قرار گیرند، صرف واردات گسترده انواع کالاها شدند.

در این شرایط بود که فکر تبیین برنامه ۷ ساله اول در ایران ایجاد شد. از سال ۱۳۳۷ که سیاست‌های توسعه صنعتی به وجود آمد، دهه ۴۶ تا ۵۶ - یعنی دوره برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه - را می‌توان جزو بهترین سال‌های توسعه اقتصادی ایران دانست، چرا که برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه صنعتی کشور از نظر برنامه‌ریزی اقتصادی فاقد هرگونه مشکلی بوده و در زمینه اجرای این برنامه‌ها هم موفقیت‌های زیادی به دست آمد.

بعد از انقلاب اسلامی از سال‌های ۷۰ و ۷۱ این نیاز که باید اوضاع اقتصادی کشور اصلاح شود کاملاً حس شد و در این زمان بود که تفکر ورود به عرصه جهانی شکل گرفت. در این سال‌ها اقتصاد ایران همواره به صورت یک اقتصاد انحصاری، شبه انحصاری و منحرف بوده است که با شکل‌گیری مراکز قدرت از حالت اقتصاد بازار و خصوصی خارج شده و همچنان با گذشت زمان درجه انحراف آن بیشتر می‌شود.

در چنین شرایطی ایران هرگز قابلیت عضویت در WTO را پیدا نخواهد کرد، چرا که از مهمترین شروط سازمان تجارت جهانی برای عضویت هر کشور در این سازمان وجود یک نظام اقتصاد رقابتی در آن کشور است که

دولت به خاطر نیاز روزافزون به ریال - به دلیل گسترش بودجه دولتی - تقریباً هر ارزی را که از طریق صادرات نفتی و غیرنفتی به دست می‌آورد، به ریال تبدیل می‌کند. اجرای برخی سیاست‌های اعتباری از جمله بحث مسکن و پرداخت وام‌های کوتاه‌مدت هم از دیگر تصمیمات دولت در سال‌های اخیر است که در این میان صنعت از هیچ سهمی برخوردار نیست.

راهکار

اولین اقدامی که می‌باید صورت گیرد این است که وقتی قیمت نفت کاهش می‌یابد - به علت وابستگی شدید اقتصاد کشور به نفت - لازم است خرید و فروش ارز کنترل شود و از به موارد ضروری اختصاص یابد.

دومین اقدام، مربوط به ثبت سفارشات بازرگانی کشور است. به این صورت که ما هرگز نباید به امید این که روزی عضو WTO خواهیم شد، تمام سپرده‌های حفاظتی صنعت را از بین ببریم. حذف ثبت سفارشات بازرگانی از جمله اقدامات مذکور است که بایستی در آن تجدید نظر شود.

اقدام سوم اصلاح نرخ ارز متناسب با تغییرات نرخ تورم می‌باشد. در برنامه‌های چهارم و پنجم این مطلب بیان شده است که باید تغییرات نرخ ارز بر مبنای تفاوت تورم داخلی و تورم جهانی تعیین شود، زیرا تورم ۲۵ درصدی ایران در مقابل تورم تک رقمی برخی کشورهای طرف تجاری ما می‌تواند یک مزیت ویژه برای کالاهای صادراتی آنها به ایران ایجاد کند و باعث ارزان‌تر شدن این کالاها در داخل کشور و همچنین کاهش قدرت رقابت کالاهای داخلی با آنها شود.

این اقدامات جزو مهمترین مواردی هستند که برای دستیابی به رشد تولیدات صنعتی و در ادامه آن رسیدن به سرمایه‌گذاری، اشتغال و آموزش صنعتی و نهایتاً رشد اقتصادی پایدار باید اجرایی شوند. ■